

اهمیت «مدیریت بحران متکی به اجتماعات محلی» (CBDM) - تجربه بم*

چکیده

زلزله ی فاجعه بار دی ماه ۱۳۸۲ در شهرستان بم نشان داد که مدیریت بحران ناشی از حوادث طبیعی، بدون آمادگی دستگاه‌های امداد و نجات همراه با عدم حضور شهروندان آموزش دیده و سازمان یافته تا چه اندازه فاجعه‌بار خواهد بود. این در حالی است که تجربیات دهه‌ی اخیر در سطح جهان به خصوص پس از زلزله‌ی کوبه در ژاپن، برنامه اجرایی مدیریت بحران متکی به اجتماعات محلی (CBDM) را در صدر راه کارهای کاهش ضایعات انسانی، امداد و نجات، اسکان اضطراری، اسکان موقت و بازسازی قرار داده است. در این مقاله، ضمن معرفی تجربیات دهه‌ی اخیر تمرین این کارکرد مدرن اجتماعات محله‌ای در شهر بم و بروات در قالب طرح شورایاری معرفی می‌شود و ضرورت تصویب قوانین شفاف به منظور رسمیت‌یابی اجتماعات محله‌ای در جهت مدیریت بحران، همراه با ضرورت فراهم کردن امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای آن‌ها نشان داده می‌شود. در پایان، اجرایی نشدن این تجربه ی جهانی را به معنی قربانی کردن آگاهانه چند صد هزار شهروند تهرانی در آینده‌ای نه چندان دور می‌داند.

مقدمه

زلزله‌های دهه‌ی اخیر ایران به ویژه تجربه‌ی بم نشان داده است که مدیریت بحران ناشی از حواث طبیعی، بدون آمادگی قبلی تمام دستگاه‌های اداری دولت، آموزش شهروندان، فراهم نبودن امکانات و ملزومات جهت مراحل امداد و نجات، اسکان اضطراری و اسکان موقت تا چه اندازه می‌تواند فاجعه‌بار باشد. چنان که در زلزله‌ی بم تا ۴۰ هزار نفر، جان خود را از دست دادند، بیش از ۱۰۰ هزار نفر بی‌سرپناه شدند و ده ماه پس از وقوع آن هنوز ۴۰۰۰ خانوار در چادر زندگی می‌کنند. در حالی که از اردوگاه‌های ساخته شده در خارج شهر، به همین میزان خالی مانده است و هنوز نزدیک به ۷۰۰۰ خانوار در محل سکونت قبلی خود از امکان اولیه‌ی توالی برخوردار نشده‌اند. از طرف دیگر، تاکنون ۳۳ هزار دفترچه‌ی امدادی صادر شده که بسیار فراتر از کل خانوارهای ساکن در مناطق آسیب دیده، قبل از حادثه بوده است.

* سیامک زند رضوی، مشارکت شهروندان در قالب اجتماعات محله‌ای برای آمادگی مواجهه با پی‌آمدهای حوادث طبیعی (معرفی یک کارکرد تازه بر مبنای فعالیت‌های انجام شده در بم)، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله‌ای، جلد ۵، نشر طرح نو، ۱۳۸۷

این وضعیت به خوبی حاکی از این امر است که در کشور ما هنوز آمادگی لازم برای روبه رو شدن با عواقب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از حوادث طبیعی حتی در یک شهر کوچک ۱۰۰ هزار نفری وجود ندارد، چه رسد به شهرهای بزرگی چون تهران. نکته‌ی مهم‌تر این که سازمان‌های امدادی و ستادهای حوادث غیرمترقبه در دهه‌های اخیر، تقریباً به طور کامل از تجربیات جهانی در این امر بی‌خبر مانده‌اند. از آن جمله می‌توان به تجربیات دهه اخیر حضور سازمان‌یافته‌ی شهروندان در قالب اجتماعات محلی اشاره کرد.

در این مقاله کوشش می‌شود ضمن اشاره به تجربیات جهانی در امر ضرورت آموزش، سازماندهی و حضور شهروندان در قالب اجتماعات محلی در امر مدیریت بحران حاصل از حوادث طبیعی به خصوص زلزله، نتایج اجرای مقدماتی پروژه‌ای به منظور سازماندهی حضور شهروندان در امر مدیریت بحران در مناطق آسیب دیده در زلزله‌ی بم را ارایه و مشکلات آن را مطرح نماید. باشد این تجربه، کارکرد جدیدی از سازماندهی اجتماعات محله‌ای را در شهرهای زلزله‌خیز، به ویژه تهران معرفی کند؛ امری که تأخیر در آن به معنی قربانی کردن آگاهانه‌ی چند صد هزار شهروند در آینده‌ای نزدیک یا دور خواهد بود.

سازمان ملل متحد، دهه‌ی ۱۹۹۰ را به عنوان دهه‌ی کاهش بلایای طبیعی نام‌گذاری کرده بود^۱ و در این عرصه مرکز توسعه‌ی منطقه‌ای سازمان ملل^۲ مسوول برنامه‌ریزی برای این مسأله شد. در سال ۱۹۹۴ اولین کنفرانس بین‌المللی برای کاهش آسیب‌های ناشی از حوادث طبیعی برگزار شد و در آن راهبرد سازمان ملل برای کاهش آسیب‌ها تدوین شد.^۳ سؤال اساسی در این دوره این بود که چه گونه و چرا حوادث طبیعی تبدیل به بلایای اجتماعی می‌شوند. در پاسخ به پرسش فوق، برنامه‌ی کاری تدوین شد که خطوط اساسی آن به قرار زیر است

- جلوگیری از پی‌آمدهای ناگوار حوادث طبیعی وقتی مؤثر خواهد بود که مشارکت در سطوح اجتماعات محلی، دستگاه اداری محلی، دولت ملی، همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برقرار شود.
- کمک به افزایش انعطاف جوامع محلی، ایجاد اعتماد به نفس در آن‌ها و استفاده از توانایی‌ها و شناخت آن‌ها نسبت به محیط اطرافشان در جلوگیری از پی‌آمدهای ناخوشایند حوادث طبیعی مؤثر خواهد بود.

در این دهه و پس از وقوع زلزله‌های متعدد در نقاط مختلف جهان به خصوص زلزله‌ی کوبه ژاپن در ۱۹۹۵، مرکز توسعه‌ی منطقه‌ای سازمان ملل در سال ۲۰۰۱، به تدوین برنامه‌ای پرداخت که در آن به طور ویژه بر اهمیت اجتماعات محلی در مدیریت بحران تأکید گردیده و این اقدام به برنامه‌ی (CBDM) معروف شده است.^۴

پی‌آمد تدوین این برنامه، برگزاری گردهمایی جهانی برای بررسی «میراث اجتماعات محلی در مدیریت بحران ناشی از حوادث طبیعی»^۶ بود که در سال ۲۰۰۴ در ژاپن برگزار شد. در سال ۲۰۰۵ نیز به مناسبت گذشت یک دهه از زلزله‌ی کوبه و به منظور مرور یک دهه از اهمیت یافتن موضوع مشارکت سازمان‌یافته‌ی شهروندان، یک کنفرانس جهانی در آن شهر برگزار شد^۷ که یکی از اهداف آن، عمومی‌سازی دانش و اهمیت مشارکت شهروندان در قالب اجتماعات محلی و محله‌ای برای کاهش آمدهای ناگوار حوادث طبیعی به ویژه زلزله است.^۷

اجتماعات محله‌ای در ایران و تجربه‌ی آن در بم

هر چند حضور همسایگان و یاری آنان به یکدیگر در جشن و عزا در ایران سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، اما حضور ایشان در قالب اجتماعات محله‌ای و در قالب مدرن (آگاهانه، انتخابی، داوطلبانه، پایدار) سابقه‌ای کوتاه داشته و نمونه‌ی بیشتر شناخته شده‌ی آن، طرح شورایاری دکتر پرویز پیران است که در بیش از هشتاد محله‌ی تهران و چند شهر دیگر به اجرا درآمده است. اما مفهوم کارکرد اجتماعات محله‌ای، به عنوان ساختار مدیریت بحران ناشی از حوادث طبیعی، با وجود گذشت یک دهه از تجربه‌ی آن در ایران و در مقیاس یک شهر تازه است و برای اولین بار پس از زلزله‌ی شهرستان بم آغاز شده است.^۸ در این مقاله، به جای گزارش قدم به قدم و مبتنی بر زمان‌بندی ایجاد تشکل‌های مذکور، الگوی پیشنهادی سیام (Siam ۲۰۰۳)^۹ مورد استفاده قرار گرفته است. در این الگو برای ایجاد اجتماعات محله‌ای به منظور مدیریت بحران، توجه همزمان به شش فرایند پیشنهاد شده است که پس از نام بردن آن‌ها، تجربه‌ی بم در قالب آن مجموعه توضیح داده می‌شود:

اول - توجه به وضعیت فرهنگی توجیه‌کننده‌ی پی آمدهای ناگوار حادثه در مقابل وضعیت نقدکننده پی آمدهای مذکور.
دوم - توجه به اهمیت معرفی جایگاه اجتماعات محلی در مدیریت بحران برای تمام دستگاه‌ها، نهادها، ارگان‌ها و مجموعه‌های مربوط به مسأله.

سوم - تشویق شهروندان برای حضور جمعی در قالب اجتماعات محلی مدرن.

چهارم - توجه به اهداف فوری دست‌یافتنی در جلب مشارکت شهروندان.

پنجم - توجه به امر آموزش شهروندان در قالب اجتماعات محلی مدرن.

ششم - توجه به فراهم کردن ابزارهای سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و بودجه‌های لازم.

فرایند اول - توجه به فعالیت فرهنگی توجیه‌کننده‌ی پی آمده‌های ناگوار حادثه در مقابل وضعیت نقدکننده پی آمده‌های مذکور.

این مسأله از آنجا اهمیت می‌یابد که غلبه‌ی وضعیت اول، چنان اندوهی در بازماندگان ایجاد خواهد کرد که خود را به سرنوشت محتوم می‌سپارد و هر تعاملی را برای مدیریت شرایط، بیهوده می‌پندارد. در مقابل، به هر درجه که امکان نقد عمومی این ایده فراهم شود، سازماندهی اجتماعات محله‌ای آسانتر خواهد شد.

از همان آغاز وقوع زلزله، دو دیدگاه فوق در میان بازماندگان فاجعه، خود را نشان داد. گروهی که حادثه را ناشی از عقوبتی برای خود و سایر شهروندان می‌دانستند و آن را ناشی از گسترش گناه در جامعه قلمداد می‌کردند و برای شب حادثه نیز چند شاهد مثال می‌آوردند؛ در مقابل گروهی دیگر شهروندان که پی آمده‌های حادثه و به ویژه مرگ چند ده هزار انسان را ناشی از عدم اطلاع‌رسانی مسئولان پس از چند زلزله‌ی مقدماتی و نبود آموزش و امکانات و تجهیزات ارزیابی می‌کردند^{۱۰} و حتی تا آنجا پیش می‌رفتند که اساساً منکر طبیعی بودن حادثه می‌شدند و شواهدی بر «انسان ساخت» بودن آن می‌آوردند.

دیدگاه اول، به سرعت مورد نقد عمومی قرار گرفت و زنان در بازتوانی اعضای برجامانده از خانواده برای شروع زندگی مجدد، به دلیل مضاعف شدن مشکلات خود، نقشی تعیین‌کننده داشتند^{۱۱}

فرایند دوم - معرفی اهمیت مدیریت بحران برپایه‌ی اجتماعات محلی (CBDM): این ایده در هفته‌ی دوم پس از حادثه در بازدید اعضای کانون حمایت از دانشجویان که در دانشکده ریاضی دانشگاه کرمان تأسیس شد، با شهروندان بم مطرح^{۱۲} مورد استقبال قرار گرفت، به خصوص در امر توزیع کالاهای امدادی که عدم حضور شهروندان محسوس و موارد فساد و ناهماهنگی آشکار شده بود. با توجه به ضرورت امر، به سرعت طرحی مقدماتی با عنوان «مدیریت بحران بر پایه‌ی اجتماعات محلی و سرمایه‌ی اجتماعی»^{۱۳} از طریق رئیس دانشگاه به ستاد بحران ارسال شد و همزمان نسخه‌ای از آن به شورای اسلامی شهر بم تحویل گردید و نگارنده با حضور در جلسه‌ی شورای اسلامی شهر بم، بر تجربیات جهانی و ضرورت استفاده از آن‌ها تأکید کرد و طرح به تصویب شورا رسید.

در اسفند ماه سال ۸۲، طرح به مسوول دفتر هماهنگی اضطراری سازمان ملل در بم ارایه شد و جلسه‌ای برای توجیه واحدهای سازمان ملل و سازمان‌های غیر دولتی حاضر در کمپ UN برگزار شد. این جلسه در شناساندن طرح مؤثر بود و از همان جا امکان ارتباط کارشناسان یونیسف (UNICEF)، سازمان جهانی بهداشت (WHO)، طرح عمران

ملل متحد (UNDP)، با طرح فراهم گردید و سازمان‌های غیردولتی خارجی و ایرانی در آن جلسه به اشکال مختلف به اجرایی شدن طرح یاری رساندند.

در هفته‌ی پایانی اسفند، نمایندگان انجمن جامعه‌شناسی ایران (گروه شهری) به بم آمدند و ضمن تبادل نظر درباره‌ی اجرایی شدن طرح مذکور، در نشستی مشترک با اعضای ستاد بحران شهرستان بم و سرپرست UNDP در ایران موافقت اصلی اجرای طرح در بم به طور ضمنی به دست آمد. روند معرفی طرح تا امروز و به طور پیوسته ادامه داشته است. معرفی طرح در شاخه‌های دیگری نیز ادامه یافت که مهمترین آن‌ها: معرفی طرح در کارگاه‌های برگزار شده از طرف وزارت مسکن و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با (UNICEF)، (UNDP) و (UNESCD) بوده است. در نهایت، طرح به تصویب شورای اجتماعی استان کرمان رسید.^{۱۴}

فرایند سوم - تشویق شهروندان برای حضور جمعی، داوطلبانه، اختیاری و پایدار در قالب اجتماعات محله‌ای:

- در اولین اقدام در زمستان سال ۸۲ اطلاعیه‌ای به امضای نگارنده و به عنوان یک دانشگاهی در سطح شهر و با یاری جوانان داوطلب توزیع گردید که ضرورت و اهداف طرح مدیریت بحران برپایه‌ی اجتماعات محلی توضیح داده می‌شد؛ اما مهمترین روش برای تشویق شهروندان ساکن بروات برای پیوستن به طرح، برگزاری گردهم‌آیی در سه ناحیه‌ی بروات جنوبی، میانه و شمالی بود که به درخواست نگارنده توسط دو نفر از فعالان اجتماعی آن شهر که یکی از آنان عضو شورای اسلامی شهر بروات نیز هست، برگزار شد. در شهر بم به علت گستردگی شهر، کار دشوارتر بود. در این راستا از راه حل ابتکاری یک پزشک قدیمی و خوشنام بمی که در حال حاضر رئیس شورای اسلامی شهر بم نیز هست استفاده شد و آن حضور نگارنده به اتفاق ایشان در محله‌ها بود، به طوری که همراه با گفت و شنود با شهروندان، آنان به تشکیل مجمع عمومی محله تشویق می‌شدند، به اعتبار بخشی طرح در نزد شهروندان بم بسیار مؤثر افتاد، هم در فضایی که به دلیل به حاشیه رانده شدن شهروندان در مرحله‌ی اسکان اضطراری، بی‌اعتمادی در میان آنان گسترده شده بود. در یک مورد، در همان گردهم‌آیی یک زن و مرد به عنوان شورایاران محله توسط اهالی انتخاب شدند.^{۱۵}

فرایند چهارم - توجه به اهداف فوری دست یافتنی در جلب مشارکت شهروندان: از همان ابتدا، در گردهم‌آیی‌های بروات، نوشتن نامه به مقامات گوناگون درباره‌ی جزییات مشکلات و به خصوص پیشنهادهای کاربردی در پیش گرفته شد. این نامه‌ها، توسط داوطلبان در ادارات پیگیری و نتیجه، در نشست بعد به اطلاع جمع شهروندان برواتی رسانده می‌شد. از جمله آن‌ها، گزارش‌های نادرست درباره‌ی لایروبی قنوات بروات شمالی بود که با انعکاس آن به حمایت‌کننده‌ی طرح UNDP، بلافاصله پاسخ دریافت شد. نمونه‌ی دیگر، مدیریت توزیع آب لوله‌کشی و کنترل

نحوه‌ی استفاده از آن توسط شهروندان بود که با نوبت‌گذاری به طور نسبی به نتیجه رسید. در بم، کار دشوارتر بود، وسعت مسائل و برنامه‌ریزی‌های «از بالا به پایین» ستادهای امداد و بازسازی، عدم کارآیی نامه‌نگاری را نشان داد. در نتیجه، چاپ خبرنامه (دو هفته یک بار) با عنوان «شهروندان و مشارکت»، در جمع شوراییاران منتخب مطرح و پذیرفته شد. این امر، به امکان چاپ صورت جلسه شوراییاران، نامه‌ها، درخواست‌ها و موارد خاص کمک کرد و به این ترتیب، علاوه بر رسیدن به برخی اهداف فوری، (مثل، شناسنامه‌دار کردن زنی شهروند که شناسنامه‌اش را جزء مردگان ثبت کرده بودند) به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن فوری به هدف، به خصوص زمانی که انعکاس پیشنهاد‌های شهروندان در تغییر سیاست‌های ستادهای امداد و بازسازی خود را نشان می‌داد، انگیزه‌ای مؤثر برای تهیه‌ی گزارش و توزیع خبر نامه برای شهروندان و شوراییاران فراهم می‌گردید.^{۱۶}

فرایند پنجم - توجه به امر آموزش شهروندان در قالب اجتماعات محله‌ای:

این عرصه‌ی گسترده، و دایمی است. از نمونه اقدامات انجام شده که می‌توان فهرست‌وار به آن‌ها اشاره کرد عبارتند از: - برگزاری کارگاه آموزشی برای تسهیل‌گران طرح، جوانان دختر و پسر بمی که به طور داوطلبانه در امر برگزاری گروه‌آیی‌ها در سطح محله‌ها، اطلاع‌رسانی، تهیه‌ی گزارش و خبر شرکت می‌کنند - برگزاری جلسات مشترک میان شوراییاران، تسهیل‌گران و دعوت از نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی خارجی از نزدیک در امر امداد و بازسازی در مناطق مختلف جهان فعال بوده‌اند، مانند CODE از کوبه‌ی ژاپن. - فراهم کردن فرصت برابر برای زنان و مردان شوراییار، تا بتوانند ایده‌های خود را جلسات عمومی مطرح و در خبرنامه به چاپ رسانند.

اخیراً سازمان جهانی بهداشت (WHO) پرداخت هزینه‌ی برگزاری مجموعه کارگاه‌های آموزشی برای شوراییاران را در امر مسأله‌یابی و طرح پروژه‌نویسی تقبل کرده است که این امر می‌تواند در انتقال دانش و مهارت‌های ضروری به آنان مؤثر باشد.

فرایند ششم - توجه به فراهم کردن ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و بودجه‌های لازم در این عرصه، موفقیت کمی به دست آمده است، با این کار طرح به تصویب شورای اجتماعی استان رسیده و پرداخت پاداشی برای «تسهیل‌گران» به طور مکتوب توسط فرماندار سابق تعهد شده است، تاکنون هیچ پرداختی صورت نگرفته است. از طرف دیگر با همه‌ی مکاتباتی که در طول سال جاری برای دریافت مکانی موقت برای دفتر با مقامات گوناگون انجام شده، تاکنون شوراییاری فاقد مکان معینی بوده است و نکته‌ی مهم این که با همه‌ی توجهی که شورای اسلامی شهر بم به مشارکت

شهروندان دارد، تاکنون نتوانسته است کمک ملموسی به طرح بنماید. خلاصه اینکه طرح تاکنون حتی یک ریال اعتبار از دستگاه دولت شهرداری یا دانشگاه دریافت نکرده است.

در مقابل، تعدادی از دانشگاهیان، یکی دو مؤسسه‌ی خصوصی و اخیراً سازمان جهانی بهداشت پرداخت هزینه‌ی چاپ خبرنامه را عهده دار شده‌اند. این در حالی است که در همین شرایط و در ده ماه اخیر، میلیاردها تومان صرف ساخت اردوگاه‌هایی در خارج شهر بم شده که به علت عدم استقبال شهروندان در حال ویران شدن است و اهمیت حضور شهروندان مشکل در اجتماعات محله‌ای را در امر برنامه‌ریزی، اجرا، مدیریت، ارزشیابی، و تقسیم منافع نشان می‌دهد و از خسارت‌های بیشتر می‌کاهد.

نتیجه‌گیری

تجربه‌ی بم نشان داد که دستگاه‌های اداری عریض و طویل هلال احمر و وزارت کشور که به طور رسمی امر مدیریت بحران ناشی از حوادث طبیعی را برعهده دارند، فاقد دانش مدرن در امر مدیریت بحران برپایه‌ی اجتماعات محلی هستند. این امر خسارت‌های انسانی و مالی جبران‌ناپذیری را در بم بر جای گذاشت. در چنین شرایطی، حضور سازمان‌های وابسته به سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی ایرانی و غیرایرانی، همراه با وجود مقامات علاقه‌مند دانشگاهی، برخی از اعضای علاقه‌مند در شورای اسلامی شهر بم و بروات و تعدادی از کارشناسان دانا در بدنه‌ی دستگاه‌های اداری تصمیم گیر، فرصت کم‌نظیری را برای اجرایی شدن نظریه‌ی «مدیریت بحران برپایه‌ی اجتماعات محلی» در مقیاس دو شهر بروات و بم، فراهم آوردند. این امر از یک طرف فرخنده است؛ زیرا که عینیت یافتن «خرد جمعی» را نوید می‌دهد و ادامه‌ی روند و موفقیت آن را، نه تخصیص یا عدم تخصیص اعتبار بلکه شور و اشتیاق شهروندانی تضمین می‌کند که حضور آگاهانه، اختیاری، داوطلبانه و پایدار را تنها راه کاهش مشکلات و ساختن بمی می‌دانند که شایسته‌ی آنان است؛ اما در مقیاس ملی، این حرکت تأسف عمیقی را برای تمام ساکنین شهرهای در معرض خطر زلزله برمی‌انگیزد. آیا اگر اجتماعات محله‌ای در شهرهای بم و بروات قبل از زلزله ایجاد شده بود، شهروندان به طور داوطلبانه، گروه‌های کاری خود را در عرصه‌هایی مانند: امداد و نجات، اسکان موقت، مجروحان و مصدومان، کودکان، زنان، بهداشت محیط و اطلاع‌رسانی تشکیل داده، آموزش و امکانات لازم را در اختیار داشتند، چند هزار نفر از قربانیان زلزله‌ی بم در میان ما زندگی می‌کردند و ما را در تبلیغ این ایده‌ی انسانی و جهانی یاری می‌رسانند؟

پیشنهاد

تنها پیشنهاد این مقاله ارج نهادن به تجربیات جهانی، از دست ندادن فرصت و توجه به این ایده‌ی ساده اما مهم است که تنها راه حل مشکلات، تخصیص اعتبارات نیست؛ هر چند این ایده‌ی ساده در کشوری رانتی و آن هم از نوع نفتی به سادگی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

یادداشت‌ها

¹ International Decade for Natural Disaster Reduction.

² United Nations Center for Regional Development.

³ United Nations International Strategy for Disaster Reduction(UNISDR).

⁴ Community Based Disaster Management

⁵ Community Legacy in Disaster Management

⁶ The UN World Conference on Disaster Reduction

^۷ برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی جایگاه اجتماعات محلی و محله‌ای در جهت کاهش عواقب حوادث طبیعی خود به مجموعه‌ی زیر مراجعه شود:

UNCRD and UNISDR, (2003). International symposium on: community legacy in Disaster Management "UN Publication.

یا به وب سایت:

<http://www.Hyogo.Uncrd.Or.jp>

^۸ معرفی مختصر طرح، برای اولین بار در خبرنامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی اسفند ۸۲ صورت گرفت.

^۹ برای آشنایی با انواع روش‌های ارزیابی فعالیت اجتماعات محلی مراجعه شود به:

Siam, James, (2003), Harnessing the workers; Tool Kit for a Sustained Community - Based Disaster Management, International Symposium on "community legacy in Disaster Mangement. Un Pablication.

^{۱۰} از نمونه‌های مکتوب این دیدگاه، مقاله‌ای در نشریه‌ی محلی فردوس کویر است که گزارش ۴۰ ساعت پس از حادثه یا عنوان «زلزله، حادثه‌ای طبیعی؛ اما فاجعه‌ای اجتماعی است» که در تاریخ ۸۳/۱۰/۹ چاپ شده است.

^{۱۱} برای آگاهی از وضعیت زنان پس از زلزله مراجعه شود به:
اخلاص پور، رویا (۱۳۸۲). زلزله هم جنیست دارد، خبرنگاره‌ی انجمن جامعه‌شناسی - ویژه‌نامه‌ی زلزله‌ی بم، اسفند ۸۲.

^{۱۲} در این بازدید یک روزه، دو هفته پس از زلزله، جمعی از اساتید و هشتاد دانشجو اولین پیمایش در جهت جست‌وجوی دانشجویان بم را به انجام رساندند.

^{۱۳} این طرح تاکنون در جایی منتشر نشده است؛ اما در بایگانی دانشگاه، شورای شهر بم و استانداری موجود است
^{۱۴} بخش‌های اصلی اطلاعیه در اولین شماره‌ی خبرنگاره‌ی شهروندان و مشارکت چاپ شده است.

<http://Akhbar-Bam.Blogspot.com>

^{۱۵} در این حضورهای عصرانه در محله‌های مختلف، عملاً از دو روش:

Participatory Rapid Appraisal (PRA)

Paticipatory Learning and Action (PLA)

استفاده شده است.

^{۱۶} تاکنون یازده شماره از این خبرنگاره در تیراژ سه هزار نسخه (برای هر شماره) منتشر شده است.

<http://Akhbar-Bam.Blogspot.com>

قدردانی و تشکر

- دکتر عباس اسماعیلی، ریاست شورای اسلامی شهر بم؛ که امکان طرح ایده‌ی اجتماعات محله‌ای را در سطح مناطق آسیب دیده امکان‌پذیر ساخت.
- رؤیا اخلاص پور؛ به خاطر ایجاد ارتباط بین طرح با سازمان‌های غیردولتی خارجی و داخلی، گروه‌های زنان.
- سودابه احمدزاده؛ به خاطر ایجاد ارتباط میان طرح با سازمان‌های بین‌المللی.
- زهره اللهیان؛ به خاطر تأمین هزینه‌ی کارگاه اول تسهیل‌گران و پذیرش اصلاح اقدام خانه‌سازی و در پشت‌پرده در قالب ایده‌ی مشارکت اجتماعات محلی.
- ربابه رجبی‌زاده؛ رئیس یکی از مدارس بروات که امکان ایجاد گسترده‌ی نشست‌های اولیه برای طرح شورایاری را فراهم آورد.
- اعظم خاتم، پرویز اجلالی، مهرک کمالی، کیان تاج‌بخش، علی صفاییان، اعضای گروه شهری انجمن جامعه‌شناسی ایران که پس از حادثه از طرف انجمن به شهر بم اعزام شدند و ایده‌هایشان در فرایند اجرا مؤثر بود.
- علی برایی نژاد؛ عضو شورای شهر بروات و حامی طرح در شورای اسلامی شهر بروات.
- دکتر بصیری؛ رئیس دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و دکتر مصطفوی رئیس دانشکده‌ی کرمان که امکان حضور یک روز در هفته‌ی نگارنده و پشتیبانی علمی از طرح را فراهم آوردند.
- فرشته هاشمی نژاد؛ مسؤول گروه بنیان که گروه اول تسهیل‌گران را برای پیوستن به طرح تشویق کرد.
- صفیه حسینی نژاد؛ معاون اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان که مکانی را برای تشکیل جلسات شورایاری در اختیار طرح قرار داد.
- حجة الاسلام سام نژاد؛ روحانی شهر بروات که با حضور فعال خود در جلسات شورایاری بروات، در مقابل مخالفان از طرح حمایت کرده است.
- دکتر یدالله اسلامی، که به عنوان عضو کانون حمایت از دانشجویان بمی در تبلیغ طرح در میان دانشگاهیان کوشش فراوان کرد.
- مهراجلیلی؛ مدیر عامل انجمن دستداران کودک کرمان، که بخشی از امکانات انجمن را در حمایت از طرح قرار داد.
- یدالله آقاعباسی؛ هنرمندی که ایده‌ی تئاتر خلاق را به جمعی از جوانان بمی آموخت و به ما نشان داد که چه‌گونه می‌توان به توانایی‌های شهروندان مطمئن بود.

- یوکو سایتو، نماینده‌ی (CODE)، دختری از کوبه‌ی ژاپن، که کوهی از ایده و انبوهی از اسناد و مدارک حاصل از تجربه‌ی زلزله ژاپن را در اختیار ما قرار داد.
- مهندس افشین اخلاص پور؛ که ابتدا ایده‌ی مدیریت بحران مبتنی بر اجتماعات محلی را با تردید نگرید؛ اما در عمل، زمینه‌ی ارتباط شوراییاران را با متخصصان معماری شهرسازی فراهم کرد.